



هم کلاسی
Hamkelasi.ir

فعالیت‌های تکلیفی

نوشته زیر را بخوانید و با خمان آن را مشخص کنید.

زبان‌های ما

زبان، عامل پیوند با دیگران، پیام دادن و گفت و گو است.
اکنون اگر از شما پرسند «چند زبان داریم؟» جواب خواهید داد:
«خب معلوم است یک زبان». اما یا کسی تأمل، در می‌باییم که از
راه‌های دیگر هم می‌توانیم پیام بدهیم و با دیگران سخن یکوییم.

ما افزون بی‌این زبان، یعنی زانی که با ان حرف می‌زنیم،
زبان‌های دیگری هم داریم؛ مثلًا وقتی از دور یکی از دوسته‌انهان
را می‌بینیم و برایش قست نگان می‌دهیم در واقع بدون آنکه
سخنی بزبان آوریم، با ارتباط برقوار می‌کنیم، سلام می‌کنیم و
احوالش را می‌پرسیم.

منگامی که سیصر کلاس انگشتی را روی اب و بینی اش
می‌گذارد، در واقع به دانش آموزان یادآوری می‌کند که ساخت
باشد و نظم کلاس را بز نزند.

به کمک دیگر اعضای بدن هم می‌توانیم پیام را به دیگران
یفهه‌انیم؛ مثل حرکت سر، چشم، ایرو... یه این زبان‌ها «زبان‌های
بدن» می‌گویند.

بنابراین، اگر زبان‌های بدن خود را خوب یشناسیم و به موقع
آنها را به کار بگیریم، با دیگران ارتباط مزتر کری خواهیم داشت.

۱۷ مقدمه

بخش بده

بخش نتیجه

الف) چشمش که به پنجره افتاد، غصه‌اش گرفت.

ب) چشش که به پنجره افتاد غصش گرفت.

جمله الف درست است؛ در نگارش رسمی، به کارگیری کلمات شکسته، کوتاه شده و گفتاری، مناسب نیست. مگر در گفت و گوهای میان اشخاص داستان یا نمایشنامه.

◆ جمله‌های زیر را ویرایش کنید:

◆ هر کی وارد شهر می‌شه، می‌پرسه چه خبره؟

..... هر کس وارد شهر می‌شود می‌پرسد چه خبر است؟

◆ تا خودت رو تغییر ندی، نمی‌توانی سبب تغییر دیگران بشی.

..... تا خودت رو تغییر ندهی، نمی‌توانی سبب تغییر دیگران بشوی

درس دوم

فعالیت‌های تکاری

نوبتی زیر را بخوانید و ویژگی‌های هر بخش را مخصوص کنید.

نشده‌ایم برای آینده

پند مقدمه من برای آینده، نقشه‌های زادی داشتم که ظام می‌خواست آنها را مواجه نمایم. ظام می‌خواست در آینده، متخصص بدن انسان شوم؛ اما برادرم به من گفت: جون تو خوش خط می‌نویسی، پس نمی‌توانی دکتر شوی. نازه، خیلی از دکترها، دکتری را هل کرده‌اند و رفته‌اند سراغ ساختمان‌سازی!

بعد، مقصدم گرفتیم که مهندس بشویم ظام اختران «ای محکم‌تری، پسازیم و بولدارشویم»؛ وای دیگم برادر بزرگم که خودش چند سال لست مهندس شده، هنوز پولدار نشده است؛ ظام او به من گفت: این روزها خوب‌باره آجری را که بلند کنی یک مهندس از زیرش ببرهن می‌آید.

من، خلوان‌شدی راهم خیلی دوست داشتم، هنگامی که برادران «وابسته» مرفق شاند، پرواز کنند، من در پرست خردمنی گنجیدم؛ اما آن مو وقت اخبار را گوش می‌دمم، یک هزاریه اسفرط می‌کند و عجیشه هم مفترض اصلی، خلیل است و من نمی‌دانم چرا لسم خیلی از این خلیل‌ها از پرورارفه است. ما جون به فوکیال ۶۰۰ علاقه‌مند هستیم و دوست داریم یک روزی به هر زاده نوء پروریم و پس صفر را یک میلیون، چند زا عدد انتخاب کنیم، مقصدم گرفتیم داورشویم، زیرا داورها را سوت خده کار می‌کنند؛ اما چند وقت پیش، شنیدم که نهاد انتخاب در وزرشکاریه داور بد وی را گفتند و داور هم فرمزند.

بعد، مقصدم شدیم که نویسنده‌یشویم؛ وای در یک جایی خواندم اگر شکار اکاک شغل شد، نویسنده‌ی هم شغل می‌شود.

ما دیگر خسته شده بودیم و نمی‌دانستیم، برای آینده خود چه نقشه‌ایی یکشیم. دوباره رفتیم سراغ برادران و با او مشورت کردیم. او گفت: نمی‌دانم؛ اما اسعی کن کاری را انتخاب کنی که عجیسه نمک باشی و معروف شوی.

آن وقت بود که ما مقصدم گرفتیم از میان این همه شغل، قصد به انتخاب یزئیم و «رنیس مجهوبون» شویم.

◆ صدری شهریاری / مدیر تحریر ابکرم قزوین / بالغیص وانکش غیره / نقل از مجله «انتشا و نویسنده‌گی»

بداند

ذیجه

دروس تقویتی

- الف) معلم نگارش، حسن را صدا زد و از او خواست، نویشتنش را بخواند.
ب) معلم نگارش، حسن را صدا زد و از آن خواست، نویشتنش را بخواند.

جمله الف درست است. ضمیر «ان» معمولاً برای اشاره کار می‌رود و گاهی در حالت جمع به جای اشخاص هم می‌اید. مانند دانش اموزان امروز به مدرسه نیامدند، آنها به گردش علمی رفته‌اند.

جمله‌های زیر را ویرایش کنید:

هزینی، دستیارش را صدا زد از آن خواست، بیچه‌ها را برای تصریع آماده کند.

هزینی، دستیارش را صدا زد از آن خواست بچشم همارا از رای نمی‌بین کند.

این دوچرخه را دوست دارم؛ زیرا او دوچرخه دوران کودکی من است.

این دوچرخه را دوست دارم؛ زیرا او دوچرخه دوران کودکی من است.

درس سوم

نولتنه زیر را بحوابید و موضوع کلی و ریز موضوع‌های آن را با رسم نمودار نشان دهید.

در دنیا عجایب و شکننده‌های زادی وجود دارد. یکی از شکننده‌های جهان خلقت، جانورانی هستند. جانوران، گونه‌های مختلفی دارند.

پرندگان، جانورانی هستند که پرواز می‌کنند. پر و بال برای پرندگان، مهم‌ترین عضو است. پرها اگرچه ظرفاند، قوی نیز هستند. پر و بال پرندگان که در زمان پرواز گسترده می‌شوند، در زمان سرما، احافی گرم و پوشش‌دهنده و در وقت خطر سپری برای مخفی شدن پرندگان است. برخی از پرندگان، مثل تبر پرواز می‌کنند. بعضی دیگر به راحتی تغییر جهت می‌دهند و عده‌ای نیز در آب، شیرجه می‌زنند. شتر مرغ، بزرگ‌ترین پرندگان است و نمی‌تواند پرواز کند و مرغ مگس خوار به اندازه سر انگشت لست و کوچک‌ترین پرندگان جهان است.

خرنده‌گان هم مرجولات عجیبی هستند. آنها به روی زمین می‌خزند. پذشان فلس دارد و بعد از آنهم می‌گذارند. بزرگ‌ترین خرنده، «تسساج»، به طول هفت متر و کوچک‌ترین آنها، ماره‌ملک خانگی لست که تنها ۱۸ میلی‌متر طول دارد.

آیزیان، به جای زندگی در خشکی، در آب زندگی می‌کنند. آنها به جای شش، آیشش دارند؛ به معنی خاطر می‌توانند در زیر آب نفس یکشند. «اهی‌ها» یکی از انواع این آیزیان هستند.

دویسته‌ان، جانورانی هستند که قادرند هم در آب و هم در خشکی زندگی کنند. آنها در نوزادی ایندا آیشش دارند؛ اما به تدریج با رشد کردن، صاحب یکه حیفتش می‌شوند و در خشکی، نفس می‌کشند.

این گونه‌هایی و شکننده‌های خلقت جانوران، یکی از نشانه‌های قدرت خداوند لست و برای ما درس‌ها و حکایت‌های زادی دارد.

دوست‌نویسی

الف) من و حسن به کتابخانه عمومی شهرو رفته‌یم و یک ساعت در آنجا مطالعه کردیم. روز بعد، من با معلم و داشت‌آموزان، به کتابخانه عمومی رفتیم.

ب) من و حسن به کتابخانه عمومی شهرو رفته‌یم و یک ساعت در آنجا مطالعه کردم. روز بعد، من با معلم و داشت‌آموزان، به کتابخانه عمومی رفتیم. جمله الف درست است.

- برای «نهاد مفرد»، فعل به صورت «مفرد» می‌باشد: من به مدرسه رفته‌م.

- برای «نهاد جمع» فعل به صورت «جمع» می‌باشد (ما به مدرسه رفته‌یم).

- برای «نهاد مفردی که همراه شخص دیگری» باشد و بین آنها «و» باید، فعل به صورت «جمع» می‌باشد: من و حسن به مدرسه رفته‌یم.

- برای «نهاد مفردی که همراه شخص دیگری باشد» و بین آنها «یا» باید فعل با کلمه قبل از «یا» هم‌اهمیت است: من با حسن به مدرسه رفته‌م؛ ما با حسن به مدرسه رفته‌یم؛ من با داشت‌آموزان به مدرسه رفته‌م؛ داشت‌آموزان با من به مدرسه آمدند.

جمله‌های زیر را ویرایش کنید:

پروانه در میان گل‌ها چرخیدند؟

پروانه... لذت... بیان... گلها... چرخیدند...

ملکه با زیورهای عالی به سمت باغ گل‌ها پرواز کردند.

ملکه... با... زیورهای... سنت... لذت... سمت... باغ... گلها... پرواز... شرک...

دانش‌آموز و معلم، در کلاس مهارت‌های نوشتاری، می‌نوشت.

دانش... آموز... و... معلم... لذت... گلها... بیان... خوشبازی... میتوشنند.

درس چهارم

طغاییت‌های تاریخی

نوشته زیر را بخوانید و می‌بزرگی نویی، موضوع نویسه و موضع‌های کوچکتر هر یند را متناسب کنید.

موضوع:

نوروز یعنی روز نو، روز گارنو. شاید به معین حاضر است که با آمدن نوروز، ملجهز نو می‌شود.

معنی

درختان از نوشکوفه ویرگ می‌کنند و از نومیوهای دهنده، چشم‌های زیادی از کوه، سر از رو می‌شوند که مده زلال و ناز، می‌ستند. حیوانات زیادی که در نهاد زمستان در خواب بوده‌اند، بیدار می‌شوند و زندگی دوراره و نو پیدا می‌کنند.

ذکر شدن طبیعت

در نوروز مده سعی می‌کنند، نوروز از تریه نظره ایند. خانه‌نو، اس‌نو، بول‌نو، ویرگ و شکوفه نو، زندگی نو و ...

توشن طاهره و بوش

هادان، با ذوق و سلیقه‌اش، فضای خانه را دیگر گون می‌کند، و مده چیز را برق می‌اندازد.

نظافت و خا

با این دست به نوآوری می‌زنند، چیزهای نو می‌خرد، خاک یاعجه را عرض می‌کنند و یکی دونا نهال یا گل رُزم می‌کارد.

خرید

و هم‌داد اس‌های نومی پوشند؛ از یز رگ، ترا، اعیدی و کاب‌های نو می‌گیرند و در سماورت عید، جزای نو و ناز را می‌پینند.

عید و عیدی

راستی کسی را می‌شناسید که با آمدن نوروز و نوشدن طبیعت، نگاهش را نو کند؟ یعنی به چیزهای اطرافش جور دیگری نگاه کند. سه راب سپهری در یکی از شعرهایش می‌گویید: چشم‌ها را باید شست / جور دیگر باید دید... له شستن چشم‌ها چیزی لست شیشه خانه نگانی عید، یا عرض کردن ای اس‌های کهنه و فرسوده.

و هم‌دانه و اندیشه

نمکان

دروست‌نویسی

- ان فدر مطلب را براش نکرار کردم که به قول معروف « زبانم مو در اورد ». ◆
- ان فدر مطلب را براش نکرار کردم که به قول معروف « خسته شدم ». ◆

جمله ردیف اول درست است : زیرا بود از عبارت « به قول معروف » یک سعن معروف و لذتاخته ندهای، فرار گرفته است: اما در جمله ردیف دوم ، سعن معروفی ذکر نشده است. بنابراین، هرگاه در نوشتهای عبارت « به قول معروف » را به کار ببریم : باید پس از آن حتماً سعن معروف، یعنی مشهور، مطلق رایج و... ذکر کنیم مانند :

بوازی امتن تو ان فدر صبر کردم که به قول معروف زیر پایم علف بیز شد. ◆

چمله‌های زیر را ویرایش کنید:

و فتنی دو میصر در یک کلاس باشند به قول معروف نظام کلاس به هم می‌خورد. ◆

وقتی دو میصر ... دو ... پیک ... کلاس ... باشند ... به ... قول ... معروف ... !! دوبلدشاد ... خوبیکند ... المثل ... دیگری !!

ازین که آن مجلل طوالشی شد به قول معروف همه به خواب رفتند.

ازین که آن ... معلم ... طولانی ... شد ... به ... قول ... معروف ... !! هلفت ... زیر ... چیا ... سینه ... شد !!

درس پنجم

فعالیت‌های نگارشی

پس از خواندن بند زیر، جمله موضع و جمله‌های کامل کننده را مشخص کنید.

جمله موضع سخن گفتن در برابر جمع، برای خیلی‌ها با هیجان و هراس، همراه است.

ریشه این هیجان و هراس، در دوران کودکی این افراد، نهفته است. این هیجان و هراس، با آنها به دنیا نیامده است. این گونه، یادگرفته اند یا از دیگران به آنها منتقل شده است. روان‌شناسان می‌گویند: «بیشتر مشکلات در بزرگسالی، به دوران کودکی برمی‌گردد». اگر این سخن گفتن در برابر جمع هم، به تربیت و آموزش پس هیجان و هراس، از سخن گفتن در برابر جمع هم، به تربیت و آموزش دوران کودکی ما برمی‌گردد.

مؤلفان

جمله کامل کننده

الف) کتابخانه ام را مرتب کردم. کتاب هایی را که نمی خواستم جمع کردم، توی جعبه گذاشتم و به کتابخانه محل هدیه کردم.

ب) کتابخانه ام را مرتب کردم و کتاب هایی را که نمی خواستم جمع کردم و توی جعبه گذاشتم و به کتابخانه محل هدیه دادم.

جمله الف درست است. در جمله ب از «واو» ربط (حرف پیوند میان جمله ها) استفاده بی جا و بی رویه شده است.

◆ جمله های زیر را ویرایش کنید:

مادرم خانه را تر تمیز کرد و فرش ها را انداخت و وسایل را چید.

را... تر... تمیز... کرد... . فرش... ها... را... انداخت... و... وسایل... را... چید...

بازیکن در نوک حمله پابه پای توپ دوید و بازیکن های تیم حریف را جا گذاشت زد و به دروازه نزدیک شد و گل زد.

حمله پابه پای توپ دوید . بازیکن های تیم حریف را جا گذاشت
.....
.....

مادرم خانه
بازیکن در نوک
به دروازه نزدیک

درس ششم



الف) بازی برای کودکان، اذت پختن نر از خوردن آب و غذا است. کودکان، وقتی در شور و شادی بازی خود می‌شوند، غذاخوردن را فراموش می‌کنند. بیشتر مادران برای خوراندن غذا به کودکان خود، به زحمت می‌افتد؛ اما هرگز بیش نمی‌آید، مادری برای تشویق کودک به بازی، به زحمت بیفتند. کودکان هنگام غذاخوردن، به سراغ بازی می‌روند؛ ولی هنگام بازی، معمولاً دنبال غذا نمی‌روند.

موضوع بحث: «اصحیت»، «جاوی»، «بواهی»، «کودکان»

جمله موضوع: «بانده»، «بها»، «کودکان»، «لست»، «چشم»، «آن»، «جهان»، «آب» و «غذا» است.

ب) «کتاب‌ها، مثل آدمها هستند. بعضی از کتاب‌ها ساده، اواس می‌پوشند و بعضی، اواس‌های عجیب و غریب و رنگارنگ دارند. بعضی از کتاب‌ها برای ما قصه می‌گویند تا بخواهیم و بعضی قصه می‌گویند تا بیدار شویم. بعضی از کتاب‌ها شاگرد اول می‌شوند و جایزه می‌گیرند؛ بعضی مردود می‌شوند و بعضی تجدید؛ بعضی از کتاب‌ها نقلب می‌کنند... بعضی از کتاب‌ها پر حرف‌اند ولی حرفی برای تکفیر ندارند و بعضی ساکت و آراhang طی یک عالم، حرف تکفیری در دل دارند...» (بی‌بال پریدن)

موضوع بحث: «همه»، «چنانچه»، «کنایهها»

جمله موضوع: «کنایهها»، «مثل»، «آنها»، «همه‌ها»

الف) صیغه زود از خانه بیرون می‌روم. وختی به مدرسه می‌رسم، یا بازی مدرسه را می‌بینم که تازه در مدرسه را باز می‌کند.

ب) صیغه زود از خانه بیرون می‌روم. وختی به مدرسه رسیدم، یا بازی مدرسه را می‌بینم که تازه در مدرسه را باز می‌کرد.

جمله الف درست است. زیرا همه فعل‌ها در زمان «حال» جوابان دارند. هنگام نوشتن باید به زمان فعل‌ها توجه داشت. چون خش فعل‌ها از زمان حال به زمان گذشته و پیش‌گم، نویسنده را پیچیده و خواننده را سوژه‌گم می‌کند.

چاله‌های زیر را ویرایش کنید:

♦ دوچرخه‌واری در روزهای با صفاتی ارزیباتش، دلیزیر بود. دوچرخه هم انگار خوشن می‌اید. بهتر می‌رفت.

دوچرخه سوارکر در دوزهای با صفاتی ارزیباتش دلیزیر است.

دوچرخه هم اذگار خوشش می‌اید. بهتر می‌رود.

گل را از روی شاخه می‌چدم، یوسف کشم: اما مثل همیشه از بی‌ان لذت نمی‌بردم.

گل... و... لوز... یوسف... شلغم... پیچیده... بتو... می‌کشم... اهل... سفر

همیشه اذ بودند آن لذت غیر... بدم

درس هفتم

فعالیت‌های تکلیفی

ابتدا موضوعی برای متن زیرا تعین کنید، سپس برای هر بخش پرسش‌های مناسب طرح کنید.

سهراب سپهری از شاعران معاصر است که در ۱۵ مهرماه ۱۳۰۷ در کاشان به دنیا آمد. پدرش «السده» و مادرش «مهاب جبین» نام داشت و مرد دو اهل خن و شعر بودند.

سپهری دوره ابتدایی و دبیرستان را در کاشان به پایان رساند و پس از فارغ‌التحصیلی از دانش‌سرای مقدمه‌ای به استخدام اداره فرهنگ کاشان درآمد. سپس به تهران آمد و در دانشکده علوم ایزیای دانشگاه تهران به تحصیل پرداخت و نشان درجه اول علمی را دریافت کرد.

سهراب در زمینه شعر، آثار ارزشمندی را پذیرد آورد. شعرخوانی پس از اطیف و پر از احمد اس و عاطفه است. مجموعه شعر «مشت کتاب»، اثر معروف اوست.

وی به فرهنگ منطق زمین علاقه خاصی داشت و به عنوان مدرس آن، پاکستان، افغانستان، زبان و مجين سفر کرد.

سپهری، اردیبهشت ۱۳۵۹ در تهران درگذشت، آرامگاهش در اردویال کاشان است.

موضوع:

پرسش‌ها:

خر... چه... تاریخی... خوش... خوش... چه... مکلف... بدنیا... امده... امده...؟

تحصیلات... بوزهای... بیمه... وی... خواه... و... چنگله... بوده... است...؟

علایق... وی... چه... بوده... و... آثار... وی... دارای... چه... ویژگی... هایی... است...؟

در... چه... تاریخی... از... دنیا... رفت... و... محل... ارامگاه... او... کجاست...

درست‌نویسی

الف) نام، نشان ماست، نام من فریده‌خان است و دارم بزایت نامه می‌نویسم.

ب) نام نشان ماست، نامه من وریدون است و دارم بزایت نامه می‌نویسم.

جمله الف درست است. به کارگوی نشانه «ه» در دو میں جمله ردیف «ب» در کلمه «نامه» نادرست است. اینچه در این جمله از این کلمه، تلفظ و شنیده می‌شود، صنانی (ـ) است.

◆ جمله‌های زیر را ویرایش کنید:

◆ سوار از راه رسید، سواره برا رسید او بیاده بود و ما سواره.

.....

◆ کار جوهر انسان است. کاره من خواندن و نوشتن است؛ من همه کاره نیستم.

.....

کار جوهر

درس هشتم

شجاعت این است که انسان در موقع ازوم در برابر حوادث و مخاطرات و رنج‌ها و مشقت‌ها ایستادگی کند. شجاعت، ترسیدن نیست. مثلاً آن کسی که با کمال بی پرواپی در کوچه و خیابان مرکب حرکات شرم آور می‌شود، شجاع خوانده نمی‌شود.

شجاع، کسی است که از برگ و خطر و عواقب کارهای بد ترسد؛ وای در موقع نرس، خود را نیازد و دست و پای خود را کم نگذارد. فرد انداختی که در زیر آتش نوبه‌داند دشمن یو جان خود می‌ترسد؛ وا وجود آن، راب می‌آورد و وظیفه خود را انجام می‌دهد، فرد شجاعی است. حتی زبانی که با زبردستی و بوارت، عقب نشینی می‌کند، شجاع است. وقتی باید او را نرسو خواند که در مقابل دشمن، عقل خود را از نرس کم کند و به کاری دست بزنند که به زبان لشکر وانش نهاد شود.

شجاعت فقط شجاع یوden در میدان جنگ نیست. یکی از شجاعت‌ها، شجاعت اخلاقی است. شجاعت اخلاقی آن است که انسان، نظر و عقیده درست خود را با جربت، بیان کند و در بیان حقیقت از میچ همیز و میچ کسی هراس نداشته باشد.

شجاعت یکی از خصلت‌های نیکوی انسان است. شجاعت یه انسان، نیرو، اختهاد و داییری می‌بخشد. جامعه‌ای که افراد آن شجاع باشند؛ غریز در برابر دشمنان، تسلیم زور و ستم نمی‌شوند و از حق خود یه خوبی دفاع می‌کنند.

◆ احمد بهمنیار، فارسی اول راهنمایی، ۱۳۶۶، با تأثیر و تغییر

.....موضع:

بر سرمه:

شجاعت... پیغمبر... چه...؟

شجاع... پیغمبر... کیمی... ایشانه...؟

شجاعت چند نوع است؟

شجاعت یه انسان چه افرادی می‌گذرد؟

- الف) مادر و مادر بزرگم به زیارت امام رضا (ع) رفته‌اند.
ب) مادر و مادر بزرگم به زیارت امام رضا (ع) رفته‌اند.

جمله الف درست است. می‌دانیم که « مصدر» یا « فعل » تفاوت نارد. فعل ویژگی شخص، شمار و زمان را بیان می‌کند و معمولاً در بیان جمله‌ها فرار می‌گیرد؛ اما مصدر این ویژگی‌ها را ندارد.

چهله‌های زیر را ویرایش کنید:

▪ گفتمن و نوشتمن جدا از هم نیستن.

گفتن و نوشتن جدا از هم نیستن

▪ آنها هم برای خودشان عقیده‌هایی داشتن.

آنها هم برای خودشان عقیده‌هایی داشتن

پارسی